

۱۲



گلیه‌های یک بازیگر از اوضاع بد اقتصادی در هنر نمایش

۱۱۰

ورزش

حسینی در گفت‌وگو با قدس:

جدایی‌ام از استقلال قطعی است

مدیرعامل جنجالی به هشت دلیل رسماً برکنار شد

نوری، مجیدی و قلعه نویی در حوالی نیمکت آبی‌ها



خوان کرسپو با همسر ویلموتس می‌جنگد
وکیل «مسی»
به کمک فوتبال ایران می‌آید

مجاز آباد

فراق اربعین

هرچه به روز اربعین نزدیک‌تر می‌شویم، دلگشایی‌ها هم عمیق‌تر می‌شود. کاربران و فعالان فضای مجازی حرف‌های دلشان را در قالب شعر و متن در توئیتر منتشر کرده و از لذت این سفر معنوی نوشته‌اند. آن‌ها با هشتگ #فراق_الاربعین در صفحات مجازی سلام‌های از راه دورشان را به امام حسین(ع) رساندند: «باشد قبول، نوکر تویی گناه نیست/ اما حسین! حال دلم روبه راه نیست... حالا بیشتر مفهوم پیدا کرده که کریلا به رفتن نیست، به شدن است. امسال باید برای کریلا رفتن و کربلایی شدن کاری نکنیم... با تفکر و تأمل ببینیم حکمت #فراق_الاربعین چیه؟»

آمریکای عربیان

در مناظره جنجالی ترامپ - بایدن، رئیس جمهور آمریکا آن قدر توی حرف‌های رقیبش پرید که بایدن مجبور شد بگوید خفه شو مردا! کاربران فضای مجازی به این مناظره واکنش‌های جالبی داشتند: «بازنده اصلی مناظره انتخاباتی ترامپ و بایدن، خود خود آمریکا بود! آمریکای عربیان را می‌توان در این مناظرات به خوبی مشاهده کرد... مجری سی‌ان‌ان گفت: درباره اینکه از میان ترامپ و بایدن چه کسی برنده مناظره شد و چه کسی بازنده، صحبت خواهیم کرد اما با اطمینان می‌توان گفت مردم آمریکا امشب باختند چون وحشتناک بود... آدم‌های محترم در آمریکا آرزو کردند ای کاش جهان این مناظره را ندیده باشد!»

کاف جدید

فکر نکنید نتایجها فقط درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران نگران است. همین طور هم فکر نکنید او فقط درباره ایران و ماجرای دارفوزآباد سوتی و کاف می‌دهد. جدیدترین نمونه از به کاهدان زدن نتایجها را در ادامه بخوانید: محمد اکبرزاده، فعال رسانه‌ای در توئیتر نوشت: «خبرنگاران و مردم لبنان به دعوت سیدحسین نصرالله رفتند به محلی که نتایجها ادعا کرده بود انبار موشک‌های حزبالله است. مشخص شده کارخونه در و پنجره‌سازی و انبار آهن آلات بود. نتایجها ضربه سختی خورد و بدتر از همیشه خوار و خفیف شد.»

کافه سگ‌ها

سعودی‌ها در اینکه ادای تجدد و پیشرفت و دموکراسی را در بیابانند، بد طولابی دارند. به‌خصوص از وقتی ملک سلمان به پادشاهی رسیده و همه امور را هم برایشان در دست دارد. در ادامه این رزست گرفتن‌ها، خبر می‌رسد که در عربستان «کافه سگ‌ها» هم دایر شده است! صفحه توئیتر دیلی‌میل آنلاین نوشته است: «در حالی که در اغلب مناطق عربستان داشتن حیوان خانگی ممنوع است، شهر ساحلی «خبر» اجازه داده مالکان سگ‌ها همراه با حیوانات خانگی به کافه مخصوص بروند تا حیواناتشان هم غذا بخورند.»

پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۹
۱۳ مهر ۱۴۴۲
۱۳ اواخر ۲۰۲۰
۱۹۵۸ ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

روزمره نگاری

آدرس‌ها سر راست‌اند!

رقیه توسلی: باورمان بشود یا نه، هر آمیزداری دهها بلکه بیست‌ها و سی‌ها نفر است و عده کثیری هر روز در او زندگی می‌کنند که گاه مرئی و گاهی نامرئی‌اند. با مشورت ملاحت خانوم، «من» هایم را دعوت می‌کنم خانه. از دیدنشان شوک‌هام حالی بین خوب و ناخوب. تازه دوزاری‌ام افتاده که دل ای غافل! خودم یک گردان آدمم. از شباهت ظاهریمان نکویم که انگار آینه‌ای شکسته و تصویرم پخش است در تمام‌تکه‌هایش. من مهربان، بلافاصله بعد دیدنم -دست و سر و کله- تکان می‌دهد و چشم‌هایش می‌خندد. من غرغرو: چه عجب بعد سال‌ها بالاخره دلتان کشید ملاقات کنیم! من مشکوک: ساده نیابید. اجازه بدهید ببینیم چه خبر است اینجا. من ترسو: بی‌رحمت فشارسنج‌تون اگر دم دسته، برسوندیش به بنده. من عاقل: خب بانو... حتماً دورهم جمعمان کردید بابت عریضه‌ای... بفرمایید. کجا به ذهنم خطور می‌کرد آدمی در خلوتش هم تنها نباشد و این تعداد «من» دوره‌اش کرده باشند! بی معطلی می‌گویم: واقعیتش این است که دوست داشتم از نزدیک ببینمتان. مدتی است حضور تک تکتان را از همیشه ملموس‌تر احساس می‌کنم. خواستم بیشتر کپ بزیم و راه و چاه بخواهم. ببینم چطور می‌شود انسان قشنگ‌تری بود؟ من صبور: با من خیلی معاشرت کن. من قانع: و با من. من متواضع: اگر به حرف‌هایی که می‌زنم باتوجه باشی، نفع می‌بری. من بدجنس: به‌نظم دیگه دیر شده. من عصبی: حالا واقعاً متحول شدی یا توبه صوری برگزار کردی، وقتمون تلف شه؟ من شکمو: ضعف کردیم بابا. یک استکان چایی و کلوچه پیدا نمیشه تو این آبادشده؟ من کم حوصله: کمتر فک بزنی، حله عزیزم. هر چی خرابی تو دنیااست زیر سر زبانه... زبانی! من نیکوکار: روی ما حساب کن. من شجاع: ببین! هر چی بودی رو بیوس بذار رو طاقچه! بد بد، خوب لاجون... مهم اینجاست که خواستی ما بیاییم کمک ولی یکت‌فک باز نییچونی مون بانو؟ من باطمینان: باید سلوات بفرستیم. حتماً خدا صدات شنیده که ما اینجاییم دیگه. من نادان: حالا که چی مثلاً فکر کردی گذشته‌ات پاک یا که؟ من عادل: اون قسمت قضیه دیگه بین خداست و بندداشت... دلش بیل زنن! من شاد: راهنمایی می‌کنیم. آدرس بهشت و جهنم و راست و چپ، سراسر است.

ملاحات» جای می‌آورد. «من»‌ها جای برمی‌دارند و من، شیرینی، اولین پاییز است که احساس بهار دارم و بی‌وقفه شکوفه‌باران می‌شوم. خدا را چه دیدی! شاید با گردانی از «من»‌های دلسو، آمیزد قشنگ‌تری شدم.

هفتوا نه

بمسوز پدر مجازی!

جمعه: برای مراسم شهادت امام حسن مجتبی(ع) هیئتی را از یکی از خیابان‌های تهران انتخاب کردم، نزدیک به دانشگاهمان. از کوچه پسکوچه‌های آنجا که رد می‌شدم یک لحظه فکر کردم در کشوری دیگر سیر می‌کنم! خانه‌های آنچنانی و مردمانی آنچنانی‌تر... بالاخره به مقصد رسیدم. پارکینگ خانه با گران‌ترین پرده‌ها و کتنبه‌ها تبدیل به حسینه شده بود. اوایل مراسم، پروتکل‌های بهداشتی رعایت می‌شد ولی هر چه به اواخر مراسم می‌رسیدیم، از پروتکل‌ها کمتر خبری بود. ای کاش حداقل در آن منطقه شهر که برخی چشم‌ها به مذهبی‌ها و رفتارشان دوخته شده، چنین مراسمی با رعایت همه مسائل بهداشتی برگزار می‌شد. در ضمن منداح جلسه کسی بود که در موج اول کرونا بیابیه داده بود هیئت‌ها باید تعطیل شود!

شنبه: دوست مسجدی‌ام می‌گوید: «بعذاب‌ظهر پنجشنبه هفته پیش رفتیم بهشت زهرا حالم بهم خورد!» با تعجب ازش پرسیدم: «آخه چرا؟ معمولاً هر کی میره اونجا برای اینه که حال دلش خوب بشه؟ پاسخ شنیدم: «تفاقات و صحنه‌هایی دیدیم که تصمیم گرفتم حداقل پنجشنبه جمعه‌ها نرم... بعضی‌ها برای هر کاری میان جز زیارت اهل قبور و شهید! با انگشت عقیق و فیروزه و پوشیدن شلوار شش جیب و پیراهن فالن، فقط تریپ شهادی می‌زنند ولی با رفتارشان آبروی زائران واقعی اهل قبور رو می‌زنند!»

یکشنبه: این روزها به‌شدت درگیر آزمون‌های دانشگاه و کارهای عقب‌مانده‌ام هستم. فرصت و توان کارهای دیگری را ندارم. تفریح‌مان هم شده چرخ زدن در صفحات اینستاگرام. عکسی از «بابارجب» با کپشنی تأمل‌برانگیز در صفحه اینستاگرام سستارها توجه‌ام را جلب می‌کند و آن را استوری می‌کنم. بلافاصله یکی از مخاطبان رپیلای می‌کند که: «این عکس باید سسررد همه اداره‌های مملکت نصب شود تا بداندن کار و زندگی‌شان را مدیون چه کسانی هستند.»

دوشنبه: امروز بالاخره بعد از یک هفته معطلی سایت همانندجوی «ایرانداک» درست شد و موفق شدم پایان‌نامه‌ام را بارگذاری کنم. این یک هفته عقب‌ماندگی از وقت دفاع از پایان‌نامه و بقیه اتفاقات بعدش را چه کسی پاسخ‌گوست؟ مگر فناوری و مجازی و... نیامد که سرعت و دقت کارها را زیاد کند؟ زمانی که پای اینترنتی شدن کارها از دست می‌رود چقدر حق الناس به گردن مسئولان مربوطه می‌اندازد؟ خدا عاقبت همه ما را ختم به خیر کند.

سه‌شنبه: بالاخره امروز بعد از یک سال ارتباط ایمیلی و پیامکی، استاد راهنمایم را در دانشگاه دیدم. حدود نیم ساعتی در دفتر ایشان گپ زدیم. چقدر حرف ناگفته داشتیم و چقدر اطلاعات و دریافت‌های خوبی از هم کسب کردیم. بسوز پدر فضای مجازی و کرونا که این‌قدر همه از هم جدا کرده است.

چهارشنبه: به دلیل کرونا نمازهای جماعت در فضای باز دانشگاه برگزار می‌شود. بعد از نماز یکی از استایدها ما را زیارت کردم که پیش از این در زمینه مسجدپژوهی خیلی کمکم کرد. اول ایشان را نشناختم. اگر شده بودند و پژمرده، موهای سر و صورتشان هم سفید شده بود. سلام و علیکی کردم و حال و احوال هم را جویا شدیم. استاد در هیئت امنای مسجد محله‌شان عضو بود. کنایه‌ای زدم و گفتم: «پس به‌خاطر همین که شکسته شدیدا» یخندید زدند و جواب دادند: «چه از این بهتر که آدم در راه مسجد، پیر و فروت‌بشه.»

از خطرات آویزان کردن ماسک به آئینه خودرو تا ادعای عجیب ایلان ماسک

واکسن نمی‌زنم!

روایت دوم

ماسکستان را آویزان نکنید

محمد تربت‌زاده: بیش از هشت ماه از شیوع کرونا در کشورمان می‌گذرد و در این مدت احتمالاً خیلی‌هایمان به استفاده از ماسک عادت کرده‌ایم. هرچند در روزهای اول، ماسک زدن برایمان دشوار بود و با بهانه‌هایی مانند اینکه استفاده از ماسک تنفسمان را دچار مشکل می‌کند یا جلو فعالیت‌های روزمرمان را می‌گیرد، از ماسک زدن اجتناب می‌کردیم اما به مرور زمان و پس از بالا گرفتن آمار مبتلایان چهار ساعت استفاده کرده‌ایم! آن را دور بیندازید و اگر کمتر از چهار ساعت مورد استفاده قرار گرفته، می‌توانید آن را درون یک کیسه پلاستیکی قرار داده و کیسه را گره دهید تا ویروس‌هایی که احتمالاً بر روی ماسک قرار دارند، در محیط خودرو یا خانه شما پخش نشوند.

پس از سه یا نهایت چهار ساعت استفاده مداوم، غیرقابل مصرف می‌شوند و نگهداری آن‌ها در خودرو و روی بازو می‌تواند موجب ابتلای افراد داخل خودرو به کرونا شود. حالا و با توجه به این توضیحات اگر ماسکستان را بیش از چهار ساعت استفاده کرده‌اید، آن را دور بیندازید و اگر کمتر از چهار ساعت مورد استفاده قرار گرفته، می‌توانید آن را درون یک کیسه پلاستیکی قرار داده و کیسه را گره دهید تا ویروس‌هایی که احتمالاً بر روی ماسک قرار دارند، در محیط خودرو یا خانه شما پخش نشوند.

روایت دوم

کرونا ترس دارد!؟

احتمالاً شما هم مثل خیلی‌های دیگر برای ساخت واکسن کرونا توسط دانشمندان لحظه‌شماری می‌کنید و در صورتی که یک روز ریز واکسن واقعاً ساخته شود، حاضرید هزینه هنگفتی برای دریافت آن انجام دهید. لایدا ماشارخی در آریداگر متوجه شوید یکی از ثروتمندترین افراد جهان اعلام کرده تمایلی به دریافت واکسن کووید۱۹ ندارد و حتی اگر این واکسن ساخته شود هم آن را تزریق نخواهد کرد!

ایلان ماسک، بنیان‌گذار شرکت تسلا در یک قسمت از پادکست «Sway» که توسط «کارا سونیشر» خبرنگار نیویورک تایمز منتشر شد، درباره احساس خود در مورد ویروس کرونا صحبت کرد. سونیشر طی مکالمه از مدیرعامل شرکت تسلا پرسید آیا او یا خانواده‌اش واکسن کووید۱۹ را پس از در دسترس قرار گرفتن، دریافت می‌کنند یا خیر که ماسک در پاسخ گفت چنین کاری نخواهد کرد، زیرا او و هیچ یک از فرزندانش در معرض خطر ابتلا به کووید۱۹ نیستند! البته هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ماسک و خانواده‌اش کمتر در معرض این ویروس بسیار مسری هستند، ویروسی که تاکنون جان بیش از ۲۰۰ هزار

گفت‌وگو با حسین تراب‌نژاد، نویسنده سینما و تلویزیون در باره ضعف‌های تولیدات شبکه نمایش خانگی

چالش کمبود سریال‌نویسی خوب

گفت‌وگو با حسین تراب‌نژاد، نویسنده سینما و تلویزیون در باره ضعف‌های تولیدات شبکه نمایش خانگی

چالش کمبود سریال‌نویسی خوب

فکرانزنگر

سینما و سینما

پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۹

۱۳۱ صفر ۱۴۴۲ | **۱ اکتبر ۲۰۲۰** | **سال سی و سوم** | **شماره ۹۳۵۸** |

۱۲

خبر

سعید رجبی فروتن، معاون ارزشیابی و نظارت

سازمان سینمایی شد



سینما و سینما؛ طی حکمی از سوی حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی، سعید رجبی فروتن به عنوان معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی منصوب شد. به گزارش روابط عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی بصری، با توجه به اتمام مأموریت سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد در سازمان سینمایی و بازگشت وی به صدا و سینما، رئیس سازمان سینمایی طی حکمی سعید رجبی فروتن را که تا پیش از این مدیرکل حوزه ریاست سازمان سینمایی بود، به سمت معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی منصوب کرد. سعید رجبی فروتن متولد شهرشهر ۱۳۳۹ در شهر ارک دارای مدرک کارشناسی ادبیاتفارسی و کارشناسی ارشد مدیریت رسانه تهران است. سوابق مدیریتی رجبی فروتن مواردی چون سرپرست معاونت مرکز گسترش نیروی انسانی معاونت سینمایی، سرپرست اداره کل توسعه همکاری‌های سمعی و بصری، مدیرکل دفتر توسعه فناوری سینمایی، مدیرکل دفتر نمایش خانگی (دو دوره مجموعاً پنج سال)، مدیرکل حوزه ریاست سازمان سینمایی(سه دوره مجموعاً ۱۱ سال) دیده می شود.

بازیگر سریال «بوم و بانو»:

هنوز ما را «مجید دلبندم» می‌شناسند



تولیزبون خبر گزارز ی فارس، گفت: سال‌ها بود دوست داشتم با آقای سلطانی کار کنم و وقتی این همکاری میسر شد متوجه شدم تعریف‌هایی که از او کردند می‌بیلل نبوده است و از این همکاری به شدت راضی و خوشحالم. وی درباره داستان این سریال تاریخی نیز بیان کرد: همان‌طور که دیدید این سریال قصه‌ای عاشقانه در بستر تاریخ را روایت می‌کند و اتفاق‌هایی در میان آن رخ می‌دهد که برای مخاطب جذابیت دارد. من هم زمانی که فیلم‌نامه را خواندم به شدت با قصه این سریال ارتباط برقرار کردم و روایت قصه‌ای عاشقانه در بستر تاریخ برایم جذاب بود.

این بازیگر درباره ایفای نقش «عزت» نیز گفت: عزت هم فردی است که در خانه تیمسار زندگی می‌کند و با توجه به شغلی که دارد، راننده اهالی عمارت است، ولی به او اعتماد خاصی دارند و این ویژگی‌اش یکی از خصوصیهایی بود که دوستش داشتم.

خزازی درباره کار کردن در فضای تاریخی نیز بیان کرد: کار کردن در فضای تاریخی سخت است به خصوص گریم بازیگر و من در این سریال مو و گریم خاصی داشتم، سخت‌تر اینکه ما خیلی از سکانس‌ها را در زمستان ضبط کردیم و به خاطر کرونا سه ماه پروژه تعطیل بود و از خرداد ماه که دوباره ضبط شروع شد مجبور بودیم دوباره راگوردهایمان را حفظ کنیم و پالتو و لباس‌های گرم تن کنیم، اما با این حال تنها چیزی که ما را دلگرم به ادامه کار می‌کرد همدلی و مصمیمت بین اعضای گروه بود. ما با تمام توان کار کردیم و امیدوارم مردم هم این سریال را دوست داشته باشند.

وی درباره ساخت ادامه این سریال در فصل‌های بعدی نیز گفت: این موضوع به نظر مردم و سازندگان سریال بستگی دارد و آن‌ها باید در این باره تصمیم‌گیری کنند.

خزازی که در مجموعه‌های تولیزبونی نظیر سبب خنده، مجید دلبندم و ... حضور داشته، درباره حضور خود در کارهای نوجوان‌محور تولیزبون نیز گفت: من در دهه ۷۰ در چند کار کودک و نوجوان بازی کردم که اتفاقاً برمخاطب هم شد، اما این روزها به غیر از تعداد معدودی که می‌شناسیم، کارهای خوبی در این زمینه ساخته نمی‌شود، اما مطمئناً اگر متن خوبی در حوزه کودک و نوجوان پیشنهاد شود خیلی دوست دارم کار کنم.

وی با یادآوری خاطره خوش از حضور خود در این آثار نیز گفت: این چند سریال جزو نخستین کارهای تولیزبونی‌ام بود و در حقیقت با این کارها شناخته‌شدم و هنوز که هنوز است در هر کاری که بازی می‌کنم همچنان مرا مجید دلبندم صدا می‌زنند.

به گزارش فارس، سریال بوم و بانو به کارگردانی سعید سلطانی و تهیه‌کنندگی آرمان زرین‌کوب هر شب از شبکه دو سینما پخش می‌شود.

کارگردان برنده اسکار «شیر شاه ۲» را می‌سازد



سینما و سینما؛ ادامه «شیر شاه» به کارگردانی بری جنکینز سازنده «هتئاب» برای دیزنی ساخته می‌شود.

به نقل از ددلاین، والت دیزنی بری جنکینز، کارگردان برنده اسکار را برای کارگردانی دنباله فیلم فرورش «شیر شاه» انتخاب کرد.

این در حالی است که جف نیتسنسون که فیلم‌نامه فیلم را نوشته بود نیز پیش‌نویس اولیه دنباله فیلم را به پایان برده است. جنکینز برای نوشتن فیلم‌نامه «هتئاب» برنده اسکار شد. این فیلم موفق به کسب اسکار بهترین فیلم نیز شد. وی برای کارگردانی «اگر خیابان بیل می‌توانست حرف بزند» هم نامزدی اسکار را کسب کرد.دنباله «شیر شاه» با استفاده از تکنولوژی فتو-رئالیستی که جان فلورو برای ساخت قسمت اول و نیز فیلم «کتاب جنگل» به کار برده بود، ساخته می‌شود.

هنوز تاریخ اکران دنباله و یا فیلم‌برداری آن روشن نشده است، اما فروش ۱۶ میلیارد دلاری قسمت اول در جهان باید آن را به یکی از پروژه‌های مهم دیزنی بدل کند.

اطلاعاتی از دلستان فیلم نیز ارائه نشده است، اما گفته شده داستان باید به کشف شخصیت‌های حماسی از جمله موفاسا بپردازد و به نوعی مانند «پدرخوانده ۲» با نگاهی به خاطرات گذشته ساخته شود. همچنان موسیقی سنتی آفریقا نیز که از نکات کلیدی در انیمیشن ۱۹۹۴ بود و در فیلم ۲۰۱۹ نیز مورد توجه قرار گرفت، در مرکز توجه خواهد بود. این دومین پروژه‌ای است که جنکینز برای دیزنی می‌سازد و او قرار است فیلم زندگی‌نامه‌ای «لوین ایلی» را نیز برای این استودیو کارگردانی کند.

وی گفته است در دهه ۱۹۹۰ که به خواهرش کمک می‌کرد تا دو پسرش را بزرگ کند با شخصیت‌های «شیر شاه» بزرگ شده است. وی «شیر شاه» را داستانی شگفت‌انگیز و دوست‌داشتنی، عشق و میراث خود و زنده کردن روح فولکلور آفریقایی را روایی خواند که به تحقق پیوست.

♦ **این روزها بحث درباره ضعف فیلم‌نامه‌های سریال‌های شبکه نمایش خانگی بالا گرفته است، عده‌ای دلیل نارضایتی مخاطبان از این سریال‌ها را ضعف جدی فیلم‌نامه می‌دانند، به نظر شما مشکل اصلی در ضعف فیلم‌نامه است؟**

به هر حال هر پروژه‌ای شرایط خودش را دارد، مثلاً وقتی سریالی که قرار بوده در ۲۰ قسمت ساخته شود در ۴۰ قسمت ساخته می‌شود طبیعتاً ریتمش کند و ضعف‌هایش هویدا می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان به صورت کلی گفت سریال‌های نمایش خانگی یا تولیزبون، ضعف فیلم‌نامه دارند. برای نمونه من فیلم‌نامه‌ای برای تولیزبون داشتم که ناظر کیفی می‌گفت این فیلم‌نامه جزو بهترین کمدی‌های سیاسی است که برای تولیزبون نوشته شده است، ولسی وقتی همان فیلم‌نامه ساخته شد، خردم علاقمند نبودم آن سریال را ببینم آن‌قدر که اجرای ضعیفی داشت. به نظر من فقط ضعف فیلم‌نامه نیست، امیر عربی از فیلم‌نامه‌نویس‌های سینما و تولیزبون چند وقت پیش در مصاحبه‌ای حرف خوبی زده بود. اینکه مشکل اصلی سینمایی ما مشکل فیلم‌نامه نیست، مشکل تهیه‌کننده است. تهیه‌کننده نمی‌داند چه فیلم‌نامه‌ای را انتخاب کند و گرنه هر کسی که اراده کند می‌تواند فیلم‌نامه بنویسد. ما به تعداد جمعیت کشور می‌توانیم فیلم‌نامه‌نویس داشته باشیم، اما تهیه‌کننده خیره خیره باید قوه تشخیص داشته باشد که چه فیلم‌نامه‌ای را تهیه کند. اینکه گفته می‌شود مشکل اصلی سینمای ما فیلم‌نامه است به نظر من حرف درستی نیست.

♦ **یعنی فیلم‌نامه‌نویس‌های خوبی داریم که آثارشان دیده نمی‌شود؟**

بله، یسا اینکه در مرحله ساخت اتفاقاتی می‌افتد که ربطی به فیلم‌نامه ندارد. من در این زمینه خوش‌شانس بودم و در تعداد کمی از کارهایم، کارگردان به کار لطمه زده است. معمولاً با کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌هایی که تاکنون کار کردم، اکثرشان جزو فیلم‌سازان خوب بوده‌اند و از نتیجه کار یکی، دو کارگردان راضی نبودم، چون به زبان مشترک نرسیدیم در حالی که آن کارگردان‌ها در کارنامه‌شان، کار خوب هم داشته‌اند. واقعیت این است که چنین اتفاقاتی می‌افتد. برخی کارهای کمدی که برای نمایش خانگی و سینما ساخته می‌شوند، فیلم‌نامه‌های خوبی دارند، اما کارگردان کمدی، بازیگر کمدی یا حتی فیلمبردار کمدی خوب کم داریم. به همان میزان که فیلمبردار کمدی خوب و بد داریم یا بازیگر کمدی خوب و بد داریم یا تلوینگر کمدی خوب و بد داریم، فیلم‌نامه کمدی خوب و بد هم داریم. پس تمام مشکلات یک فیلم بد به فیلم‌نامه برنمی‌گردد چنانکه گاهی از یک فیلم‌نامه خوب، فیلم بد ساخته می‌شود، چون کارگردانی آن ضعیف بوده است.

♦ **به نظر شما باید تخصصی‌نویسی در حوزه فیلم‌نامه‌نویسی وجود داشته‌باشد؟ نویسنده باید آن حوزه را بلد باشد، مثلاً آقای سیروس مقدم، کار کمدی، کمدی، ملودرام و پلیسی می‌سازد. این کارگردان‌زائرهای مختلف را می‌شناسد و بلد است، ولی کارگردان‌هایی داریم که بلد نیستند و تلاش می‌کنند زائرهای مختلف را تجربه کنند، ولی متأسفانه آزمون و خطای تجربه آن‌ها را روی آنتن تولیزبون یا پرده سینما می‌بینیم.**

♦ **شما یکی از دلایل ضعف سریال‌سازی را آب بستن به فیلم‌نامه در اجرا می‌دانید؟**

ببینید ضعف فیلم‌نامه‌نویسی در سریال‌های شبکه نمایش خانگی و تولیزبون یک اینتم مشخص ندارد. همان‌طور که عرض کردم در بعضی از کارها، کارگردان به دلیل شرایط مالی پروژه ۲۰ قسمت را در ۴۰ قسمت می‌سازد، مثلاً یکی از سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی پخش و انتقادهای زیادی هم متوجه آن شد، از سوی دیگر کارگردان‌ها سراغ متن‌هایی می‌روند که آن‌ها را نمی‌پهفند. مثلاً کارگردانی که کمدی‌ساز است و ملودرام نمی‌فهمد، می‌رود سراغ ملودرام‌سازی یا برعکس آن و این عوامل موجب می‌شود فیلم‌نامه‌های خوب ما هم خروجی خوبی نداشته باشند.

♦ **شما با این‌شویه که چند سکانس از فیلم‌نامه**

گفت‌وگو با حسین تراب‌نژاد، نویسنده سینما و تلویزیون درباره ضعف‌های تولیدات شبکه نمایش خانگی

چالش کمبود سریال‌نویس خوب



است و او سکانسی که اصلاً روی کاغذ نبوده را می‌گیرد، حواسی پیرامون آب بستن به سریال‌های شبکه نمایش خانگی با پایان یافتن سریال «دل» پررنگ‌تر شد. بابک کایان، نویسنده این مجموعه در گفت‌وگویی به مسائلی همچون اضافه شدن ۱۲ قسمت به فیلم‌نامه، ضعف در کارگردانی و انتخاب اشتباهی بازیگران اشاره داشت و از مردم عذرخواهی کرد.

در شرایطی که بسیاری معتقدند ضعف در فیلم‌سازی و سریال‌سازی ما به دلیل نبود فیلم‌نامه‌های خوب و قوی است، عده‌ای دیگر اما می‌گویند همه

کاسبه کوزه‌ها را نباید بر سر فیلم‌نامه‌نویس شکست، گاهی یک فیلم‌نامه خوب قربانی اجرای بد می‌شود. حسین تراب‌نژاد، فیلم‌نامه‌نویس سینما و تولیزبون که آثاری همچون «آبادان یسازده ۶۰»، «اجرای نیمروز، رد خون»، «دارکوب»، «زور خاموش» و «سیانور» را در سینما و مجموعه‌های تلویزیونی «شرایط خاص»، «بیدار باش»، «شوق پرواز»، «پرده نشین» و «فس گرم» را در کارنامه کاری خود دارد، درباره این موضوع با ما گفت‌وگو کرده است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

سریال‌هایشان از قبل نوشته نمی‌شود. چند موقعیت قابل گسترش، چند شخصیت جذاب و تم و

مضمون مشخص برای شروع دارند و موتور قصه راه می‌افتد و جلو می‌روند، هر شخصیتی که از نظر مخاطب جذاب‌تر باشد آن را پرورش می‌دهند و از شخصیت‌هایی که قصه جذابی ندارند، کم می‌کنند. لزوماً این‌شویه به کار لطمه نمی‌زند به این شرط که نویسنده حرفه‌ای باشد و تعامل خوبی با کارگردان داشته‌باشد. اگر خیلی نویسنده‌ا مسائل مالی آسوده

باشد و بداند دو سال باید روی یک پروژه کار کند، درگیر همان قصه می‌شود و ماجرا‌ها را با توجه به مسائل و شرایط روز جلو می‌برد.

♦ **در برخی از سریال‌های تولیزبونی به دلیل اختلاف بین کارگردان و بازیگر، آن شخصیت به طرز عجیب و غیرمعتوقسی می‌میرد و از کار حذف می‌شود. لطمه بزرگی به سریال نمی‌خورد؟**

باید بین بازیگر، کارگردان و نویسنده تعامل وجود داشته‌باشد. به تازگی سر صحنه کاری بومد و بازیگر با سکانسی مشکل داشت، با هم صحبت کردیم و به نتیجه رسیدیم. این اتفاق ممکن است برای هر کاری رخ بدهد چه کاری که در تولید باشد و چه کاری که نوشته شده و سپس تولید شود.

♦ **شاید سریال‌های ترکیه‌ای مدل ارزشمندی برای الگوبرداری در سریال‌سازی نباشند، آیا مدل نگارش فیلم‌نامه همزمان با ساخت در تولید سریال‌های شبکه‌هایی همچون نتفلیکس یا HBO هم رخ می‌دهد یا آن‌ها فیلم‌نامه کامل و چارچوب مشخص، کار را کلیدمی‌زنند؟**

من خیلی اطلاع دقیقی از شیوه سریال‌سازی هالیوودی ندارم. البته سریال لاس که سال‌ها پیش جزو سریال‌های پربیننده بود، از سریال‌های بود که استنباط من از جنس داستان‌پردازی‌اش این است که در دل تولید، نوشته شده بود، چون گروه‌های فیکي داشت که به جذابیت لحظه‌ای کار کمک می‌کرد در حالی که در قسمت‌های بعدی همان

آن را با یگانگی کرد. دو ماه بعد، کاری مشابه همان فیلم‌نامه شروع به ساخت شد، چون مدیر جدید نمی‌خواست فیلم‌نامه مدیر قبلی را کار کند!

♦ **این اتفاقات موجب نمی‌شود روند سالم فیلم‌نامه‌نویسی دچار ضعف و نقصان شود، در حالی که باید پیش از نبیی از فیلم‌نامه یک مجموعه آماده‌باشد تا پروژه وارد مرحله تولید شود؟**

الزاماً برای همه زائرها این فرمول درست نیست، گاهی یک قصه تاریخی دارید یا داستانی کاملاً

تخیلی، این جنس کارها اگر فیلم‌نامه آماده داشته می‌روم که این اتفاق پایشان می‌افتد، وقتی در زمان نویسنده یا کارگردان بیشتر می‌شود، چقدر در زمان

تولید، کار نوشته می‌شود، نویسنده اجرای بازیگر را می‌بیند و ادامه سریال را زنده‌تر می‌نویسد یا با توجه به ویژگی‌های بازیگران می‌تواند به قصه‌ها و شخصیت‌ها پر و بال دهد. اگر هم سریال طولانی‌تر

باشد نویسنده می‌تواند از اتفاقات روز در فیلم‌نامه‌اش بهره‌برد و ماجراهای روز را که در جامعه رخ می‌دهد در آتش بگنجاند. من این‌شویه را دوست دارم، ولی الزاماً نکته مثبتی نیست. جدا از اینکه من این‌شویه کاری را دوست دارم یا ندارم، تولیزبون به فیلم‌نامه کامل بها نمی‌دهد. خود من بیشتر سریال‌هایی که کار کردم یا حداقل‌تر نصف فیلم‌نامه، کار کلید خورده

است در حالی که دو فیلم‌نامه کامل سریال دارم که با من تسویه‌حساب کرده‌اند، ولی این فیلم‌نامه‌ها با یگانگی شده‌اند و هیچ‌وقت به تولید نرسیده‌اند.

♦ **دلیلش چه بوده است؟**

تغییر مدیریت‌های مکرر در تولیزبون، فیلم‌نامه‌ای که قرار باشد به صورت کامل نوشته شود بدون ۹-۸ ماه

زمان می‌برد، ولی عمر مدیریتی مدیران تولیزبون به طور متوسط ۶ ماه بیشتر نیست! وقتی سفارش کاری گرفته می‌شود تا نوشتن آن تمام شود، مدیر قبلی عوض شده و مدیر جدیدی روی کار آمده

است. مثلاً سریالی در فضای کودک و نوجوان برای شبکه دو نوشتم و زمانی که نگارش آن تمام شد مدیر گروه فیلم و سریال این شبکه تغییر کرد. مدیر جدید که آمد گفت این فیلم‌ها را نمی‌خواهیم و



باید از ساختار سریال‌سازی ترکیه‌ای یاد بگیریم که پروژه نگارش سریال در حال تولید چگونه است. خب فقط مضامین آن‌ها دارد اقتباس می‌شود در حالی که ساختار و روش کارشان باید اقتباس شود

♦ **این به‌روزنویسی فیلم‌نامه به شخصیت‌پردازی یا روابط علی و معمولی در گروه‌ای قصه صده نمی‌زند؟**

نویسنده باید روی قصه و شخصیت‌های داستان مسلط باشد، مثلاً سریال‌های خارجی همچون

سریال‌های ترکیه‌ای که در صنعت سریال‌سازی پیشرفت قابل‌توجهی داشته‌اند، فیلم‌نامه

گروه‌ها را شدند، ولی آن‌قدر این سریال جذاب بود که شاید برای مخاطب باز نشدن آن گروه‌ها اهمیتی نداشت. این‌تنکه را بگیریم که در سریال‌های ترکیه‌ای هم آثار خوب وجود دارد. کاری به مضامین آن‌ها ندارم، ولی از نظر ساختاری، سریال‌های درجه یک و دو هم دارند. سریال‌های درجه یک و دو ترکیه‌ای به این دلیل که تولیدشان صنعتی شده، قابل الگوبرداری برای ما هستند و می‌توانیم از پروسه نگارش و تولیدشان استفاده کنیم.

♦ **اکنون هم در سریال‌های شبکه نمایش خانگی مسا الگوهای سریال‌های ترکیه‌ای دارد پیاده می‌شود، همین مثلث‌ها و مکعب‌های عشقی، نتیجه الگوبرداری از سریال‌های ترکیه‌ای است؟**

خب فقط مضامین آن‌ها دارد اقتباس می‌شود در حالی که ساختار و روش کارشان باید اقتباس شود. اینکه یک سریال ترکیه‌ای، ۶ نویسنده دارد، نوع تعامل گروه نویسندگان مهم است. چرا در سریال‌های ایرانی وقتی گروه نویسنده از دو نفر به سه نفر می‌رسد دعوایشان می‌شود و هر کسی می‌خواهد نظر خودش را اعمال کند؟ باید از ساختار سریال‌سازی ترکیه‌ای یاد بگیریم که پروسه نگارش سریال در حال تولید چگونه است یا وقتی سریالی بخش می‌شود گروه‌های نظرسنجی بین مردم حضور پیدا می‌کنند و درباره شخصیت‌های سریال و نحوه قصه‌ها، نظرسنجی می‌کنند، نتیجه این نظرسنجی‌ها، مالکی برای پررنگ یا کمرنگ شدن خرده‌داستان‌ها می‌شود. این‌ها را باید اقتباس کرد و گرنه عشق مثلثی و عشق ضربدری نمی‌توانند الگوی ما باشند، چون با فرهنگ ما همخوانی ندارد.

♦ **به عنوان نویسنده آثار سینمایی و تولیزبونی با دخالت و اظهارنظر تهیه‌کننده روی متن باید اجرا موافقت؟ تهیه‌کنندگان تا چه حدی می‌توانند در محتوای اثر، صاحب نظر باشند؟**

خب تهیه‌کننده با تهیه‌کننده فرق می‌کند، مثلاً من با افرادی نظیر سیدمحمد رضوی، جناب آقای مفید یا آقای تخت‌کشیان کار کرده‌ام که حضورشان در فیلم‌نامه بسیار مفید و مؤثر است. تهیه‌کنندگانی هم هستند که فقط پول می‌آورند و سرمایه‌گذار هستند، این آدم‌ها خیلی نباید در فیلم‌نامه دخالت کنند، همان‌طور که نمی‌توانند به فیلمبردار درباره شیوه کاری‌اش حرفی بزنند، یا در مورد طراحی صحنه نظر بدهند، اجازه ندارند در مورد کار فیلم‌نامه‌نویس هم اظهارنظر کنند، در همین حد که درباره کلیت کار، پیشنهادبدهند.

♦ **آیا فیلم‌نامه‌نویسی در سینما و تولیزبون ما انحصاری شده است؟**

نه برایتان یکی از دوستانم از مثال می‌زنم. مثلاً آقای احسان جولامرد بدون هیچ ارتباطی در سینما و تولیزبون تصمیم گرفت وارد عرصه فیلم‌نامه‌نویسی شود. آن‌قدر تلاش کرد-با شواهدی تولیزبون جنکید در سریال «بانوی عمارت» را نوشت. آن کار موفق شد و اکنون با آقای فتحی دارد کار می‌کند. نویسنده اگر توانایی داشته باشد، ورود به عرصه فیلم‌نامه‌نویسی کار سختی نیست. ممکن است در کارهای اول به او میدان ندهند، مثلاً طرح خوبی نوشته باشد، پولش را بدهند و بگویند ما فیلم‌نامه‌نویس می‌آوریم که کار را بنویسد، ولی پس از دو سه تا طرح خوب، خودش وارد ماجرا می‌شود، چون اکنون در سینما و تولیزبون به شدت کمبود فیلم‌نامه‌نویس داریم. من اعتقادی به انحصاری شدن این حوزه ندارم.

♦ **در شرایط سینما و تولیزبون ما، نویسنده‌گی به صورت گروهی بهتر است یا انفرادی؟**

از نظر من سریال را نباید به تنهایی نوشت، سریال‌هایی را که خودم نوشتم اکثراً ماحصل کار گروهی بوده است. در آثاری هم که فقط اسم من به عنوان فیلم‌نامه‌نویس نوشته شده لطف دوستانی بوده که نخواستند اسمشان در تیتراژ بیاید. مثلاً سریال «فوق‌سر» را با آقای فیضی طراحی کردم، ولی ایشان اسمشان را در بخش فیلم‌نامه نیاروندند. سریال‌نویسی را کار گروهی می‌دانم و به نظر من کار انفرادی نیست. مواجهه ناگهانی با هزار صفحه متن، ذهن پیچیده و فعالی می‌خواهد که من این توانایی را ندارم.

♦ **در شرایط سینما و تولیزبون ما، نویسنده‌گی به صورت گروهی بهتر است یا انفرادی؟**

متأسفانه آنچه مشخص است این وضعیت همچنان برای تئاتر ادامه دارد و بعید می‌دانم تا پایان سال هم برطرف شود. ایسن بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر درباره قرارداد بازیگران در هنر نمایش ادامه داد: واقعیت امر قراردادها بیشتر از آنکه سندیّت داشته باشند، به تعهد اخلاقی افراد برمی‌گردند و گرنه چندان قابلیت نقد شدن ندارند. اگر یک تهیه‌کننده دستمزد بازیگر را ندهد آن بازیگر آن‌قدر مجبور به دوندگی می‌شود که هزینه رفت وآمدش از طلبش بالاتر می‌رود. همه‌چیز در تئاتر بیشتر شفاهی و براساس توافق اخلاقی صورت می‌گیرد و گرنه قرارداد چندان قابل پیگیری نیست.

وی افزود: تئاتر امروز مشکلات فراوانی دارد که قرارداد بازیگران بخشی از آن است. اگر می‌خواهیم تئاتر را نجات بدهیم باید به دنبال این باشیم که مشکلات این هنر از پایه و اساس حل شود. باید سرمایه‌گذاری جدی در تئاتر صورت گیرد، در این صورت

بسیاری از تهیه‌کنندگان وارد تئاتر نمی‌شوند و برخی مشکلات مالی هم در پروژه‌ها صورت نمی‌گیرد.

سپاه‌منصور، آینده تئاتر در سال ۹۹ را این‌گونه ترسیم و خاطرنشان کرد: در واقعیت آمیدی به تئاتر سال ۹۹ نیست، همه ما امیدواریم دوباره شاهد حضور مردم در سالن‌های نمایش باشیم، تئاتر بدون مخاطب هیچ چیز نیست و به همین دلیل تا پایان بیماری کرونا آمیدی هم به بهبود وضع تئاتر نیست.

روژه تئاتر مخاطب هم ندارد، بسیاری از بازیگران سختی و خطر کرونا را به جان می‌خرند و تمرین می‌کنند، اما در نهایت با صحنه خالی روبه‌رو می‌شوند.

وی با اشاره به تعطیلی طولانی‌مدت بسیاری از تماشاخانه‌های تئاتر در ماه‌های گذشته افزود: تئاتر حداقل چهار ماه تعطیل شد، این تعطیلی موجب شد تا بسیاری از گروه‌ها بیکار شوند، بازیگران پولی نداشته باشند و مجبور شوند به مشاغل دیگر روی آورند.

پیش از کرونا هم بسیار بد بود، امروز و با شیوع بیماری کرونا این وضع چندین برابر بدتر شده است. بازیگران تئاتر هیچ‌گاه چشمدانشتی به دستمزد خود ندارند، اما این افعال و کار نکردن و به واسطه بیماری کرونا موجب شده هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ روحی تحت‌فشار قرار گیرند.

بازیگر فیلم «مهمان‌امان» در همین رابطه اضافه کرد: از سویی دیگر موجودیت تئاتر به مخاطب خود وابسته است، متأسفانه این